

رشد ۱۹۵ درصدی استرداد مالیات و عوارض ارزش افزوده اصفهان

مدیر کل امور مالیاتی استان اصفهان گفت: مالیات و عوارض ارزش افزوده استرداد شده در ۹۰ روز اول سال ۱۴۰۵ با رشد ۱۹۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته به بیش از ۲۳ هزار میلیارد ریال رسید.

مهران علانی اظهار داشت: مجموع مالیات و عوارض ارزش افزوده استرداد شده طی ۹۰ روز نخست سال ۱۴۰۵ به مبلغ ۲۳ هزار و ۲۵ میلیارد ریال رسید که این رقم در مقایسه با مبلغ ۷ هزار و ۸۱۷ میلیارد ریال مدت مشابه سال ۱۴۰۴، حاکی از رشد ۱۹۵ درصدی است. او افزود: این افزایش قابل توجه، نتیجه اجرای طرح‌های نوین نظارتی، هوشمندسازی فرآیندهای استرداد، تسریع در بررسی و پرداخت مطالبات مودیان بوده است. مدیر کل امور مالیاتی استان اصفهان با تاکید بر اهمیت استرداد به‌موقع مالیات و عوارض ارزش افزوده به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای حمایت از بخش تولید، اظهار داشت: دستیابی به رشد ۱۹۵ درصدی در استرداد مالیات و عوارض ارزش افزوده در این بازه زمانی، دستوراد استقرار کامل سامانه مودیان است. علانی در پایان تاکید کرد: با تکیه بر فناوری‌های نوین و رویکردهای تسهیل‌گرانه، فرآیند استرداد مالیات و عوارض ارزش افزوده بیش از پیش سریع و شفاف خواهد شد. تا چرخه تولید و سرمایه‌گذاری در استان بیش از پیش تقویت گردد.

کنسر سیوم قطار سریع‌السییر تهران – اصفهان کلید خورد

تشکیل کنسرسیوم پروژه قطار سریع‌السییر تهران – قم – اصفهان با مشارکت بانک‌ها، صنایع و دستگاه‌های اجرایی آغاز شد.

نشست هماهنگی تشکیل کنسرسیوم پروژه قطار سریع‌السییر تهران – قم – اصفهان با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی، مدیران بانک‌ها و صنایع بزرگ برگزار شد تا با جمع‌بندی ظرفیت‌های اقتصادی و مولدسازی دارایی‌ها، زمینه‌پذیری تمرکز بر فرآیندهای اجرایی، حقوقی و تأمین مالی این پروژه فراهم شود. در این نشست که با حضور کاروش خسروی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداردی اصفهان و جمعی از مسئولان برگزار شد، بر تشکیل یک شرکت واحد در قالب کنسرسیوم برای راهبری امور اجرایی، حقوقی و تأمین مالی پروژه تأکید شد. بر اساس مصوبات این نشست، مولدسازی دارایی‌های راكد دولت به‌عنوان یکی از منابع اصلی تأمین مالی پروژه در نظر گرفته شد و پیش‌بینی شده است حدود ۳۰ درصد از منابع مورد نیاز از این محل تأمین شود. همچنین بر استفاده حداکثری از توان تولید داخل در اجرای پروژه تأکید و مقرر شد ظرفیت شرکت ذوب‌آهن اصفهان برای تأمین ریل مورد نیاز این طرح به‌کار گرفته شود. در ادامه، مشارکت شهرداری‌های قم و اصفهان در اجرای ایستگاه‌های اصلی پروژه حمایت معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری و انجام مطالعات لازم برای فراهم شدن زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از دیگر محورهای مطرح‌شده در این نشست بود. بر اساس تصمیمات اتخاذشده، شرکت‌های بیمه، بانک‌های تجارت، ملت و دی، فولاد مبارکه، ذوب‌آهن اصفهان و پالایش نفت اصفهان به‌عنوان اعضای اصلی کنسرسیوم معرفی شدند و مقرر شد نمایندگان تام‌الاختیار خود را برای پیگیری امور حقوقی معرفی کنند. در پایان نیز مسئولیت تشکیل کنسرسیوم، پیگیری اقدامات اولیه و اخذ مجوزهای قانونی به مجری پروژه قطار سریع‌السییر تهران – قم – اصفهان واگذار شد. برآوردها نشان می‌دهد فرآیند تشکیل کنسرسیوم حدود یک ماه زمان خواهد برد و در این مرحله نیازی به سرمایه‌گذاری اولیه اعضا نیست.

روستاهای گلپایگان چشم‌انتظار طرح‌های اشتغال‌زا

بخشداری گلپایگان گفت: توسعه زیرساخت‌های عمرانی باید در کنار اجرای طرح‌های اشتغال‌زا و استفاده از ظرفیت‌های بومی برای ایجاد اشتغال پایدار در روستاها دنبال شود.

بهروز مدنی در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به بازدید از پروژه اسفالت‌کاری روستای واتشان اظهار کرد: توسعه زیرساخت‌های روستایی یکی از اولویت‌های بخشداری مح‌کزی است و اجرای این پروژه‌ها نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی روستاییان دارد.

وی افزود: پروژه اسفالت‌کاری روستای واتشان با اجرای حدود ۴ هزار مترمربع اسفالت و با مشارکت دهیاری، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و پیگیری‌های بخشداری در حال اجرا است. همچنین عملیات زیرسازی و جدول‌گذاری این پروژه از محل اعتبارات دهیاری روستا انجام شده و با بهره‌برداری از آن، بخشی از معابر روستا ساماندهی و دسترسی ساکنان تسهیل خواهد شد. بخشداری گلپایگان با قدرناری از همکاری دهیاری، شورای اسلامی روستا و بنیاد مسکن، بر تسریع در تکمیل این پروژه تأکید کرد و گفت: در کنار اجرای طرح‌های عمرانی، باید برنامه‌های اشتغال‌زا نیز در روستاها مورد توجه قرار گیرد. مدنی با اشاره به ظرفیت‌های روستای واتشان تصریح کرد: بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر از طریق نصب پنل‌های خورشیدی، احداث گلخانه‌های مدرن و توسعه صنعت گردشگری با تکیه بر ظرفیت‌های بومی، از مهم‌ترین راهکارهای تحقق توسعه پایدار و خودکفایی اقتصادی در روستاها است. وی خاطرنشان کرد: حمایت از طرح‌های نوآورانه و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در کنار توسعه زیرساخت‌ها، زمینه‌ساز رونق اقتصادی، افزایش ماندگاری جمعیت و بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی خواهد بود.

تابستان داغ؛ برق اصفهان مدیریت می‌شود

سختگویی صنعت برق استان اصفهان از آغاز خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده در استان خبر داد و گفت: برنامه‌های مدیریت بار در بخش خانگی از ۲۰ تیرماه آغاز شده و هر مشترک به‌طور میانگین چهار تا پنج روز در هفته، خاموشی دو ساعته را تجربه خواهد کرد.

داوود قاسمی با اشاره به جزئیات اجرای طرح مدیریت مصرف برق اظهار کرد: خاموشی‌های بخش خانگی از ساعت ۱۰ صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۸ در بازه‌های دو ساعته ادامه دارد. برنامه‌ها از طریق اپلیکیشن «برق من»، سایت شرکت‌های توزیع نیروی برق و بازوی «برق من» در پیام‌رسان بله در اختیار شهروندان قرار گرفته است و مشترکان می‌توانند با شناسه برق یا شماره موبایل ثبت‌شده، برنامه خاموشی خود را دریافت کنند. او افزود: در صورتی که شرایط شبکه اجازه دهد و نیازی به مدیریت بار در ساعات ۱۸ تا ۲۲ وجود نداشته باشد، خاموشی‌های این بازه زمانی اجرا نخواهد شد. سختگویی صنعت برق استان اصفهان با بیان اینکه این برنامه‌ها تا پایان مردماه ادامه دارد، ابراز امیدواری کرد با اجرای طرح‌های مدیریت مصرف و افزایش ظرفیت تولید، از شهریورماه شاهد کاهش یا توقف خاموشی‌های خانگی باشیم. قاسمی دلیل آغاز خاموشی‌های امسال را افزایش شدید مصرف برق و شرایط حساس شبکه عنوان کرد و گفت: سال گذشته برنامه‌های خاموشی از ابتدای خرداد آغاز شده بود، اما امسال با توجه به مدیریت بار در بخش صنایع و شرایط شبکه، اجرای خاموشی‌های خانگی از ۲۰ تیرماه آغاز شد. او با اشاره به وضعیت مصرف برق در استان اصفهان گفت: روز ۲۱ تیرماه میزان مصرف برق استان به پنج هزار و ۱۱۷ مگاوات رسید که چهار هزار و ۲۱۶ مگاوات آن در نیروگاه‌های داخل استان تولید و حدود ۷۰۰۲ مگاوات از شبکه سراسری تأمین شده است. سختگویی صنعت برق استان اصفهان ادامه داد: در همین روز، اوج نیاز مصرف برق کشور به ۲۴ هزار و ۴۴۱ مگاوات رسید و حدود ۹ هزار و ۶۰۰ مگاوات تازاری میان تولید و مصرف در شبکه ثبت شد. پیش‌بینی می‌شود میزان تقاضای برق کشور در روزهای آینده به حدود ۷۵ هزار و ۵۰۰ مگاوات و در هفته آینده به حدود ۷۶ هزار مگاوات برسد. قاسمی افزایش دمای هوا را یکی از عوامل اصلی رشد مصرف برق دانست و گفت: به ازای هر یک درجه افزایش میانگین دمای کشور، حدود یک‌هزار و ۸۰۰ مگاوات به تقاضای برق اضافه می‌شود. همچنین گرمای شدید باعث کاهش راندمان تجهیزات شبکه و افزایش احتمال بروز حوادث فنی مانند آسیب به ترانس‌ها می‌شود. او افزود: بخشی از ظرفیت تولید برق کشور نیز به دلیل آسیب‌های باقی‌مانده از جنگ چهل‌روزه اخیر از دست رفته است و حدود چهار هزار و ۶۰۰ مگاوات از ظرفیت تولید تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته است. سختگویی صنعت برق استان اصفهان از شهروندان خواست در ساعات اوج مصرف برق، از استفاده هم‌زمان وسایل بر مصرف خودداری کنند. دمای کولرهای گازی را روی ۲۵ درجه سانتی‌گراد تنظیم کرده و روشنایی‌های غیرضروری را کاهش دهند. او با اشاره به مشوق‌های مصرف بهینه گفت: مشترکان خانگی که در محدوده الگوی مصرف قرار داشته باشند و نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد کاهش مصرف داشته باشند، در چهار ماه گرم سال از ۳۰ درصد تخفیف در هزینه برق برخوردار خواهند شد. قاسمی همچنین درباره بخش کشاورزی اظهار کرد: برنامه مدیریت مصرف این بخش از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۵:۳۰ اجرا می‌شود و کشاورزانی که با صنعت برق همکاری کنند، از ابتدای خرداد تا پایان شهریور در ۱۹ ساعت باقی‌مانده شبانه‌روز از برق رایگان بهره‌مند خواهند شد. او با اشاره به اجرای طرح مدیریت مصرف در دستگاه‌های اجرایی گفت: تقریباً تمام ادارات استان به کنترل هوشمند مجهز شده‌اند و موظف هستند در ساعات اداری ۳۰ درصد و پس از پایان ساعت کاری ۷۰ درصد مصرف برق خود را نسبت به میزان تعیین‌شده کاهش دهند. عملکرد ادارات نیز به‌صورت برخط پایش می‌شود. سختگویی صنعت برق استان اصفهان از همکاری صنایع در اجرای برنامه‌های مدیریت بار، قراردانی کرد و گفت: شهرک‌های صنعتی و واحدهای تولیدی استان هفته‌ای از روز در اجرای محدودیت‌های برق همکاری می‌کنند که این همکاری با انتقال تطبیلی روز جمعه به یکی از روزهای هفته انجام می‌شود. قاسمی با اشاره به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در استان گفت: ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی اصفهان حدود ۵۸۰ مگاوات است که ظرفیت عملی آن حدود ۱۵۰ مگاوات برآورد می‌شود.

این نیروگاه‌ها از ساعت ۱۰ صبح تا حدود پنج عصر نقش مهمی در تأمین برق و کاهش فشار شبکه دارند. او ابراز امیدواری کرد با توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و افزایش ظرفیت تولید، طی یکی دو سال آینده شرایط به‌گونه‌ای شود که دیگر نیازی به اجرای برنامه‌های خاموشی برای مشترکان استان نباشد. سختگویی صنعت برق استان اصفهان تأکید کرد: شبکه برق کشور یک شبکه بهمب‌پیوسته است و تمامی برنامه‌های مدیریت بار با هدف حفظ پایداری شبکه اجرا می‌شود. تمام ظرفیت‌های تولیدی کشور، صنایع، نیروگاه‌ها و گروه‌های عملیاتی صنعت برق برای عبور از روزهای گرم تابستان در آمادهباش هستند.



چون ما دچار خلط مفهومی میان «سیاست» و «حکمرانی» هستیم، مشکل ما کمبود سند نیست؛ بلکه فقدان حکمرانی اثربخش است.

خطای بزرگ ما، یکسان دانستن این دو مفهوم است. سیاست یعنی تصمیم گرفتن که چه باید کرد، اما حکمرانی یعنی توانایی اجرای هماهنگ، پایدار و اثربخش آن تصمیم.

بسیاری از اقدامات نهادهای ما پروژه‌محور بوده‌اند (مثل راه‌اندازی یک سامانه)، در حالی که ما نیازمند رویکرد نهادی هستیم که توانایی یادگیری و اصلاح خطاها را داشته باشد.

از منظر اقتصاد سیاسی نیز مدیران اجرایی به دلیل تعارض زمانی در سیاست‌گذاری، بیشتر به دنبال اقدامات کوتاه‌مدت و رُوبازده برای کاهش ریسک مدیریتی خود هستند و از اصلاحات بنیادین که منافعشان در بلندمدت آشکار می‌شود، پرهیز می‌کنند. تکثر نهادهای تصمیم‌گیر بدون تقسیم کار روشن، نیز تنها به رقابت نهادهای و ائتلاف منابع منجر شده است.

■ **برای برون‌رفت از این بن‌بست، چه راهکار ساختاری را پیشنهاد می‌کنید و چشم‌انداز آینده را چگونه می‌بینید؟**

بزرگ‌ترین خطای سیاست‌گذاری در کشور این است که هنوز سرمایه انسانی دیجیتال را به‌عنوان یک «هزینه اداری» مدیریت می‌کنیم، نه یک «دارایی راهبردی». وقتی سازمان، نیروی متخصص را صرفاً هزینه ببیند، در نخستین فشارهای بودجه‌ای، سرمایه‌گذاری در توسعه مهارت یا مدیریت دانش را کاهش می‌دهد.

ما نیازمند استقرار یک مدل بلوغ حکمرانی سرمایه انسانی دیجیتال هستیم تا سازمان‌ها را از سطح واکنش‌های حیثانی و لحظه‌ای به سطحی دادمحور و تطبیقی ارتقا دهیم. رسالت اصلی پیش روی حکمرانی، عبور از نگاه هزینه‌محور و حرکت به سمت اعتمادسازی نهادی است.

اگر روندهای فعلی ادامه یابد، ما وارد سناریوی فرسایشی تدریجی می‌شویم که در آن هزینه‌های امنیت سایبری بالا رفته و تاب‌آوری ملی بشدت کاهش می‌یابد. اما با پیاده‌سازی چارچوب حکمرانی سرمایه انسانی، می‌توانیم به یک اکوسیستم هوشمند دست یابیم. مهم‌ترین درسی که باید آموخت این است که تحول دیجیتال، پیش از آنکه یک پروژه فناوریانه باشد، یک پروژه حکمرانی سرمایه انسانی است.

در واقع تجهیزات امنیتی، مرزهای سایبری یک کشور را حفظ نمی‌کنند؛ کشوری که نتواند سرمایه انسانی خود را دارایی راهبردی باند و محیطی برای خلق ارزش در داخل مرزها فراهم کند، حتی با پیشرفته‌ترین فناوری‌های جهان نیز به امنیت پایدار و توسعه واقعی دست نخواهد یافت.

■ **ش. آیا این تحلیل درست است؟**

این یکی از خطرناک‌ترین تقلیل‌گرایی‌ها در سیاست‌گذاری است. شکاف مزدی قطعاً به عنوان یک عامل دافعه عمل می‌کند و هیچ تحلیل واقع‌بینانه‌ای نمی‌تواند اهمیت آن را نادیده بگیرد. اما نکته‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد این است که نظام جبران خدمات بسیار فراتر از حقوق ماهانه است. متخصصان صرفاً برای دریافت حقوق بیشتر تصمیم به ماندن یا رفتن نمی‌گیرند. یک متخصص به فرصت یادگیری مستمر، مشارکت در تصمیم‌سازی، استقلال حرفه‌ای، دسترسی به فناوری‌های روز و محیطی نیاز دارد که توانایی‌هایش را به رسمیت بشناسد. اگر شما حقوق یک متخصص را دو برابر کنید اما او همچنان در ساختاری قرار گیرد که نگاه ابزاری به او دارد و در فرآیندهای طولانی بوروکراتیک غرق می‌شود، آن افزایش حقوق تنها فرایند خروج او را چند ماه به تأخیر می‌اندازد. رقابت

ما با بازار جهانی نامتقارن است؛ شرکت‌های بین‌المللی مزایایی مانند انعطاف کاری و مسیر شفاف ارتقا‌ارائه می‌دهند که ما با یک بخشنامه حقوقی نمی‌توانیم آن‌ها را خنثی کنیم.

■ **اجازه بدهید کمی چالشی‌تر به موضوع نگاه کنیم. برخی مدیران ارشد می‌گویند نیروی متخصص همیشه جایگزین دارد، با جذب نیروهای جوان می‌توان کمبودها را جبران کرد و حتی با توسعه هوش مصنوعی، وابستگی به نیروی انسانی کاهش پیدا می‌کند. آیا این دیدگاه را می‌توان پذیرفت؟**

به نظر من، این یکی از پرهزینه‌ترین سوپرداشت‌ها در مدیریت سرمایه انسانی است؛ زیرا میان «نیروی انسانی» و «سرمایه انسانی» تفاوت قائل نمی‌شود. در امنیت اطلاعات یا معماری سامانه‌های پیچیده، خروج یک متخصص تنها به معنای از دست دادن یک کارمند نیست. آن فرد حامل سال‌ها تجربه، شناخت عمیق از تقاطع ضعف زیرساخت‌ها و تجربه مدیریت بحران است؛ دارایی‌های نام‌شهودی که در هیچ آیین‌نامه استخدامی ثبت نشده‌اند. درباره هوش مصنوعی نیز این برداشت ناشی از نوعی خوش‌بینی نسبت به فناوری است. هوش مصنوعی می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد، اما جایگزین سرمایه انسانی متخصص نمی‌شود. یک سامانه هوشمند می‌تواند میلیون‌ها روبردار را تحلیل کند، اما تشخیص اینکه یک هشدار واقعی است یا کاذب، نیازمند قضاوت انسانی است. هوش مصنوعی ابزار تصمیم‌یار است، نه تصمیم‌گیر. تصور اینکه هوش مصنوعی بتواند کمبود نیروی متخصص را جبران کند، یک خطای راهبردی است؛ مسیر درست، استفاده از فناوری برای توانمندسازی متخصصان است، نه جایگزینی آنان.

■ **با توجه به رخدادهای نفوذهای امنیتی اخیر**

■ **علاوه بر مسائل داخلی، ما با محدودیت‌های بیرونی هم روبه‌رو هستیم. محدودیت‌های اینترنت در داخل و تحریم‌های بین‌المللی چه تأثیر ملموسی بر تسریع این روند می‌گذارد؟**

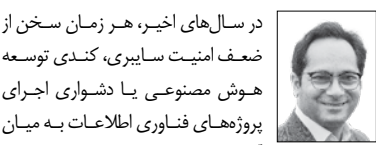
ما در اینجا با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توان آن را «انساد دوگانه دانش و فناوری» نامید. یکی از ضعف‌های تحلیل‌های رایج این است که به دنبال یک علت واحد هستند؛ عده‌ای همه چیز را به تحریم‌ها نسبت می‌دهند و عده‌ای تمام مسئولیت را متوجه ساختارهای داخلی می‌دانند. هر دو روایت زمانی که مطلق بیان شوند، از دقت علمی فاصله می‌گیرند. محدودیت‌های بین‌المللی مانند عدم دسترسی به خدمات ابری و پلتفرم‌های هوش مصنوعی، وقتی با محدودیت‌های داخلی و کندی اینترنت هم‌زمان می‌شوند، اثری تضاعبی خلق می‌کنند. اقتصاد دیجیتال بر پایه یادگیری مستمر استوار است و اگر چرخه یادگیری یک متخصص مختل شود، او به سرعت مزیت رقابتی خود را از دست می‌دهد. در نظریه سیستم‌های پیچیده، تعامل چند عامل، اثری بسیار بزرگ‌تر از مجموع اثر مستقل هر عامل ایجاد می‌کند. انسداد دوگانه، دقیقاً همین چرخه یادگیری را هدف می‌گیرد.

■ **با این وجود، در سال‌های اخیر اسناد بالادستی متعددی در حوزه اقتصاد دیجیتال و هوش مصنوعی تدوین شده است. اگر بحران ساختاری است، چرا حاکمیت نتوانسته است این چرخه مخرب را متوقف کند؟**



را بدون پرداخت هزینه‌های سنگین فروشگاه‌ی با واسطه‌گری عرضه کند و مصرف‌کننده نیز باقیمت مناسب‌تر خرید انجام دهد.

بازار روز؛ پلی میان خرید آسان و رونق مشاغل خانگی



در سال‌های اخیر، هر زمان سخن از ضعف امنیت سایبری، کندی توسعه هوش مصنوعی یا دشواری اجرای پروژه‌های فناوری اطلاعات به میان آمده، نگاه‌ها در رسانه‌ها و نشست‌های مدیریتی غالباً به سمت کمبود بودجه، تحریم‌ها یا خرید ناچیز تجهیزات معطوف شده است. اما آیا مسئله واقعاً همین است؟ یا آنچه امروز در لایه‌های مختلف نظام اداری و فناوری کشور می‌گذرد، نشانه‌ای از یک بحران عمیق‌تر و ساختاری‌تر است که در سایه تقلیل‌گرایی‌های رایج، کمتر درباره آن سخن گفته شده است؟ شاهین سمیع عادل، پژوهشگر حوزه مدیریت فناوری اطلاعات، در گفت‌وگو با اصفهان‌امروز معتقد است آنچه امروز با آن مواجه هستیم، پیش از آنکه یک بحران فناوری باشد، بحرانی در حکمرانی سرمایه انسانی است؛ بحرانی خاموش که آثار آن از امنیت اطلاعات فراتر رفته و بر تاب‌آوری سایبری، اقتصاد دانش‌بنیان و حتی امنیت ملی تأثیر مستقیم می‌گذارد. روایتی که در ادامه مشروح آن را می‌خوانیم.

■ **در محافل کارشناسی و مدیریتی، تقریباً همه از کمبود نیروی متخصص در حوزه‌های فناوری، امنیت سایبری و هوش مصنوعی گلایه می‌کنند. شما این مسئله را چگونه تعریف می‌کنید؟**

اجازه بدهید بحث را از همین نقطه آغاز کنیم؛ چون به اعتقاد من، نحوه تعریف مسئله، مسیر سیاست‌گذاری را نیز تعیین می‌کند. اگر مسئله را صرفاً کمبود نیروی متخصص بدانیم، طبیعی است که راه‌حل را در توسعه آموزش‌های تخصصی یا افزایش جذب جست‌وجو کنیم. اما شواهد نشان می‌دهد که واقعیت بسیار پیچیده‌تر از این است. کشور ما بیش از آنکه با کمبود مطلق نیروی انسانی متخصص مواجه باشد، با ناتوانی در حفظ، توسعه و بهره‌گیری مؤثر از همین سرمایه روبه‌روست. در بسیاری از سازمان‌ها، متخصصان حضور فیزیکی دارند، اما انگیزه کافی برای ماندن، امکان رشد حرفه‌ای یا نقش مؤثر در ساختار تصمیم‌گیری را ندارند. بنابراین مسئله اصلی، کمبود افراد نیست؛ بلکه کاهش ظرفیت نهادی برای نگاهداشت این سرمایه است. از سوی دیگر، نباید تصور کنیم خروج یک متخصص فناوری صرفاً به معنای خالی شدن یک جایگاه سازمانی است. در حوزه‌هایی مانند امنیت اطلاعات، هر نیروی خیره حامل مجموعه‌ای از دانش ضمنی، تجربه عملی و حافظه سازمانی است؛ سرمایه‌ای که جایگزینی آن گاهی سال‌ها زمان می‌برد.

■ **شما به جای تعبیر رایج قرار مغزا، اصطلاح فرسایش سرمایه انسانی را به کار می‌برید، تفاوت در چیست؟**

واژه‌ها تنها ابزار توصیف نیستند؛ آن‌ها نوع نگاه ما به مسئله را شکل می‌دهند. اصطلاح «قرار مغزا» محصول دوران اقتصاد صنعتی است؛ اما در اقتصاد دیجیتال، مؤلفه‌های محل زندگی، محل اشتغال و محل نگه‌داشت این سه مؤلفه بر یکدیگر تفکیک شده‌اند. پدیده مهاجرت سه‌لایه دارد: لایه نخست همان مهاجرت فیزیکی کلاسیک است که حتی به شکل مهاجرت تیمی و انتقال شرکت‌های دانش‌بنیان به کشورهای منطقه نیز مشاهده می‌شود. لایه دوم، مهاجرت درون‌ساختاری است؛ یعنی متخصص کشور را ترک نمی‌کند، اما از بخش عمومی به بخش خصوصی منتقل می‌شود. این اتفاق از منظر حکمرانی عمومی، زمانی که دستگاه‌های دولتی مسئول زیرساخت‌های حیاتی هستند، ظرفیت اجرایی دولت را به شدت تضعیف می‌کند. اما شاید مهم‌ترین تحول، لایه سوم یا مهاجرت مجازی باشد. متخصص در ایران زندگی می‌کند، اما برای یک شرکت خارجی دور کاری کرده و درآمد ارزی دریافت می‌کند. در اینجا خروج فیزیکی رخ نمی‌دهد و در آمار رسمی هم ثبت نمی‌شود، اما ارزش افزوده ناشی از تخصص او از اقتصاد ملی خارج می‌شود. در واقع، ما شاهد «صادرات خام سرمایه انسانی» هستیم.

■ **بسیاری از مدیران دولتی، شکاف دستمزد با بخش خصوصی یا شرکت‌های خارجی را عامل اصلی این پدیده می‌دانند و معتقدند با افزایش حقوق، بحران تخلیه سازمان‌ها متوقف خواهد**